گفت‌وگو

محمدی، سال ۱۳۶۶، منطقه ماووت

خاطره‌ای از همدلی مردم در دفاع مقدس در گفت‌وگوی «جوان» با یک جانباز

قاصدی که خوش قول بود و با معرفت

■ غلامحسین بهبودی

متن زیر در گفت‌وگوی ما با یک رزمنده و جانباز دفاع مقدس تهیه شده است. محمد محمدی از جانبازان ۵۰ درصد دفاع مقدس خاطره زیر را از همدلی مردم با رزمنده‌ها بیان می‌کند.

متولد سال ۴۹ در تهران هستم و سال ۶۵ در ۱۶ سالگی برای اولین بار به جبهه رفتم. مرحوم مادرم با رفتنم مخالف بود. به حکم مادری‌اش می‌ترسید اتفاقی برایم بیفتد. هرچند برادر بزرگ‌ترم پیش از من چند بار به جبهه اعزام شده بود، اما چون سن کمی داشتم، مادر می‌ترسید اتفاقی برایم بیفتد. از طرف دیگر برادر بزرگ‌ترم آدم جسوری بود و خانواده از او خیالشان راحت‌تر بود.

به هرحال سال ۶۵ یک دوره سه ماهه به جنوب رفتم و اتفاق خاصی هم برایم نیفتاد. وقتی به مرخصی آمدم، مادرم از سمت من خیالش راحت‌تر شده بود اما دیگر اجازه نمی‌داد از خانه تکان بخورم. ماندم تا به سال ۶۶ رسیدیم. در این مقطع ۱۷ سالم شده بود و چون می‌خواستم باز به جبهه برگردم، سربازی را بهانه کردم. سپاه هم که پاسدار وظیفه می‌گرفت و می‌توانستم دوباره به عنوان سرباز به جبهه برگردم.

این‌بار آموزش‌هایی در خصوص پدافند هوایی دیدیم و به عنوان نیروی پدافند به کردستان اعزام شدیم. سال ۶۶ ایران ماووت عراق را گرفته بود و نیروهای ما آنجا مستقر بودند. ما هم به آن منطقه رفتیم تا در برابر حملات هوایی دشمن از نیروهای خودی محافظت کنیم.

یک روز چند جنگنده آمدند و ما سریع پشت توپ‌های ضد هوایی قرار گرفتیم. یادم است جنگنده‌های دشمن شیرجه می‌رفتند و اوج می‌گرفتند. یک‌بار که یکی از جنگنده‌هایشان شیرجه زد، خودم پشت ضد هوایی بودم و به سمتش شلیک کردم. تا همین جا را یادم است و بعد دیگر هیچ چیزی متوجه نشدم. چشم که باز کردم دیدم در یک محیط خاصی قرار دارم. چیزی یادم نمی‌آمد. مدتی گذشت تا یادم افتاد چه کسی هستم و وقتی دور و برم را نگاه کردم فهمیدم من را به بیمارستان منتقل کرده‌اند.

از صحبت‌های پرستار فهمیدم اینجا باید یکی از شهرهای آذربایجان خودمان باشد. چون آنها ترکی صحبت می‌کردند و من هم که ترکی بلد بودم. کمی بعد فهمیدم در تبریز هستم. همان لحظه یاد مادرم افتادم و خواستم با او تماس بگیرم ولی آن زمان ما تلفن نداشتیم. هر بار با همسایه‌مان تماس می‌گرفتم و شماره آنها را هم که گم کرده بودم.

آن قدر مجروح زیاد بود که مسئولان نمی‌دانستند به کدام برسند. بنابراین خودم باید هر طور شده بود مادرم را خبر می‌کردم. یک عاقله مردی از قزوین به دیدار مجروحش آمده بود. به او گفتم کی برمی‌گردی شهرتان؟ گفت فردا. گفتم می‌توانی به مادرم خبر بدهی. گفت آخر ما قزوین هستیم و خانه شما تهران است. اشک در چشمم حلقه زد. بنده خدا تا بغضم را دید گفت پسرم می‌روم و مادرم را خبر می‌کنم. چند روز بعد مادر و برادرم و تعدادی از اقوام به دیدارم آمدند. باورم نمی‌شد آن بنده خدا از قزوین تا تهران رفته بود تا به مادرم ماجرای مجروحیتم را اطلاع بدهد. واقعاً مردم در آن روزها هوای همدیگر را داشتند و به یکدیگر کمک می‌کردند. اگر نبود این همراهی مردمی، شاید ما نمی‌توانستیم در آن شرایط سخت از کشورمان دفاع کنیم.

> آقایی از قزوین به تبریز برای دیدار یکی از عزیزانش آمده بود. به او گفتم می‌توانی به مادرم خبر بدهی مجروح و اینجا بستری‌ام؟ گفت آخر ما قزوین هستیم و خانه شما تهران است. اشک در چشمم حلقه زد. بنده خدا تا بغضم را دید گفت پسرم می‌روم و مادرت را خبر می‌کنم

تابستان پر مخاطره سال ۵۹ و تجاوزهای مرزی بعثی‌ها به ایران در گفت‌وگوی «جوان» با یک راوی دفاع مقدس

بمباران سیرین زنگ خطری برای شروع جنگ بود

■ علیرضا محمدی

تقریباً از تابستان ۱۳۵۹ عراق بعثی حملات خود به مرزهای کشورمان را گسترش داده بود. این وضعیت در شهریور ماه به قدری چشمگیر شد که برای رزمنده‌ها و نظامی‌های حاضر در مرزها مسجل شده بود صدام قصد حمله به کشورمان را دارد، اما به هر حال برخی عوامل باعث شد تا توجه کافی به این موضوع صورت نگیرد و نهایتاً در ۳۱ شهریور ۵۹ عراق با بمباران ۱۰ فرودگاه ایران، رسماً جنگ را شروع کرد. در گفت‌وگو با سیدحسین حسینی از رزمندگان و راوی‌های دفاع مقدس مروری بر وقایع آن روزها می‌اندازیم.

از سال ۵۹ مرزهای ایران با عراق شاهد تجاوزهای هوایی، زمینی و دریایی بعثی‌ها بودند، به نظر می‌رسد در سطح کشور توجه کافی به این موضوع نمی‌شد. دلیلش چه بود؟

توجه می‌شد، اما آن‌طور که باید مورد توجه قرار نمی‌گرفت. مثلاً از اوایل سال ۵۹ که تجاوزهای مرزی عراق بیشتر شد، بعضی از گروه‌های سیاسی اعلام کرده بودند که آماده هستند نیرو به مرزها بفرستند. جالب است حتی سازمان منافقین هم از جمله همین گروه‌هاست که اعلام آمادگی می‌کند نیرو بفرستد، اما این مسئله کنار دهها یا شاهد صدها مشکلی که اوایل انقلاب کشور با آن درگیر بود گم می‌شود. مثلاً همان فروردین ۵۹ ضد انقلاب سنندج را در اختیار می‌گیرند و در سطح شهر رژه می‌روند. از تهران، اصفهان، مشهد، همدان و مناطق دیگر نیرو به سنندج اعزام می‌شود. بنابراین موضوع تجاوزهای مرزی عراق در این میان کمرنگ می‌شود. یا داخل کشور اختلاف‌هایی بین بنی‌صدر، مجلس و حزب جمهوری اسلامی درگرفته بود. بنی‌صدر از بهمن ۵۸ رئیس‌جمهور می‌شود و این اختلاف‌های سیاسی در بهار ۵۹ که دولت بنی‌صدر جا می‌افتد و برنامه‌هایش را اعلام می‌کند، بیشتر خودش را نشان می‌دهد. یک نمونه‌اش را عرض کنم، افرادی که از سوی بنی‌صدر به عنوان وزیر خارجه به مجلس معرفی می‌شدند رأی اعتماد نمی‌گرفتند و این مسئله تا شروع جنگ ادامه می‌یابد. ما در مقطع آغازین جنگ وزیر خارجه نداشتیم. همه این مسائل باعث می‌شود تا به تجاوزهای مرزی عراق آن‌طور که شایسته است توجه نشود.

اما در شهریور همین سال ۵۹ تجاوزهای مرزی دشمن آن قدر زیاد می‌شود که حداقل برای نظامی‌های مستقر در مرزها مسجل شده بود عراق حمله خواهد کرد، اما چرا به این گزارش‌ها توجه نمی‌شد؟

آن زمان بنی‌صدر فرمانده کل قوا بود و حلقه نظامی‌هایی که به او مشاوره می‌دادند اعتقاد داشتند عراق توانایی و جسارت حمله به ایران را ندارد. من قبلاً با نظامی‌های ارتشی و سپاهی که آن مقطع در مرزها حاضر بودند صحبت کرده‌ام. آنها می‌گویند افرادی که از طرف بنی‌صدر به منطقه می‌آمدند حتی به دیده‌های خودشان هم اعتماد نداشتند و می‌گفتند عراق ماکت تانک‌ها را در مرزها مستقر کرده یا صرفاً می‌خواهد با نمایش ادواتش از ایران امتیاز بگیرد. بنابراین آنها قصد یک اقدام جدی را ندارند. اگر یادتان باشد چند سال پیش ارتش سندی را رسانه‌ای کرد که نشان می‌داد این نیرو قبل از شروع رسمی جنگ هشدار داده بود عراق قصد حمله دارد، اما این هشدارها در کج فهمی حلقه مشاوران بنی صدر و همان اختلافات سیاسی که در ایران بود گم شد. ارتش حتی یک سلسله طرح‌هایی را مثل طرح ابوذر اجرا کرد و واحدهایی به مرز فرستاد، ولی هیچ کدام از این اقدامات در برابر اتفاقی که در شرف روی دادن بود کارساز واقع نشد. یعنی ما باید فکر اساسی‌تری برای تأمین مرزها و موضوع تجاوزهای مرزی عراق می‌کردیم.

این طرح ابوذر که شما اشاره کردید یکی از افتخارات ارتش است که به وضوح امکان حمله عراق را به رئیس جمهور وقت که بنی‌صدر بود هشدار می‌دهد اما حتی این طرح هم باعث نشد توجه کافی به این مقوله صورت گیرد.

بله، طرح عملیاتی دفاعی ابوذر بیش از ۷۰ صفحه داشت. در آن به گزارش حمله احتمالی عراق گوشزد و راهکارهایی هم برای مقابله با این موضوع ارائه شده بود. طبق همین طرح واحدهایی از ارتش به مرزها رفتند. ولی این نیروها برای مقابله با هجوم همه جانبه بعثی‌ها کافی نبودند و البته آن‌طور که باید و شاید هم طرح ابوذر مورد توجه قرار نگرفت.

کمی موضوع را از عقب‌تر نگاه کنیم. اصلاً موضوع تجاوز مرزی عراق به ایران پس از انقلاب به چه زمانی برمی‌گردد؟

جالب است که موضوع تجاوزهای مرزی عراق به قبل از انقلاب برمی‌گردد. بعد از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و حل و فصل اختلافات مرزی، یک دوره آرامشی بین دو کشور برقرار می‌شود اما وقتی به واسطه قیام مردم ایران علیه حکومت طاغوت، توجهات از مرزها به مرکز ایران تغییر می‌کند عراق از فرصت استفاده کرده و شیطنت‌هایی را در مرزها انجام می‌دهد. بعد از پیروزی انقلاب اما این تجاوزها جدی‌تر می‌شود. بعثی‌ها در اسفند ۱۳۵۷ که چند روز از پیروزی انقلاب می‌گذشت، حمله‌ای را توسط بالگردهایشان انجام می‌دهند که منجر به شهادت چند نفر از هموطنان کردستانی‌مان در منطقه سیرین می‌شود. دولت موقت رسماً به این اقدام عراق اعتراض می‌کند و آنها هم عذرخواهی می‌کنند اما بعد دوباره مسئله تجاوزها از سر گرفته می‌شود و هر چه به سال ۵۹ می‌رسیم بدتر می‌شود. در واقع بمباران منطقه مرزی سیرین زنگ خطری برای شروع جنگ در یک سال و نیم بعد بود.

بنابراین ما حداقل از همان اسفند ۵۷ که بعثی‌ها چند هموطنمان را شهید کردند تا آخر شهریور ۵۹ که رسماً جنگ را شروع کردند، ماه‌ها زمان داشتیم تا تحلیل درستی از شرایط داشته باشیم و در شروع جنگ به آن شکل غافلگیر نشویم، نظر شما چیست؟

کاملاً درست است. ما حتی ساز و کار بررسی و تجزیه و تحلیل شرایط آن روز عراق را در ارتش داشتیم اما خب باید قبول کنیم که انقلاب هنوز کاملاً استقرار پیدا نکرده بود و زمان می‌برد تا ما صرفاً بتوانیم از توانایی‌های داخلی در این خصوص استفاده کنیم. شما ببینید بیشتر ارتش‌های جهان اداره‌هایی برای بررسی شرایط همسایه‌هایشان داشته و دارند. ارتش ما اداره‌هایی برای بررسی شرایط کشورهای همسایه‌ها داشت. مثلاً اداره عراق، اداره پاکستان و... از طرف دیگر ایران و امریکا بر اساس پروژه «آیبکس» ساز و کاری را فراهم کرده بودند تا دو فروند هواپیمای سی- ۱۳۰ با پرواز در نزدیکی مرزهای عراق ضمن جمع‌آوری سیگنال‌های مخابراتی این کشور تا کیلومترها از خاک این کشور را عکسبرداری کنند. یعنی ما حتی توانایی رصد تحرکات عراق تا این سطح را داشتیم اما چون تازه انقلاب پیروز شده بود، مدیریت لازم برای بهره‌برداری از چنین امکاناتی انجام نمی‌گرفت. اما حتی اگر هیچ کدام از این امکانات را هم نداشتیم، اگر قدرت طلبی برخی افراد مثل بنی صدر نبود تا فضای داخلی ایران را متشنج کنند یا اگر بحث شیطنت جدایی طلب‌ها در استان‌های مختلف مثل کردستان، گنبد، خوزستان و... نبود ما می‌توانستیم با آرامش بیشتری به خطر اصلی که تجاوزهای مرزی عراق بود رسیدگی کنیم و همان‌طور که شما هم گفتید فرصت لازم برای تجزیه و تحلیل شرایط کشور عراق و میزان جدیت آنها در رویارویی نظامی با ایران را داشته باشیم.

> بعد از پیروزی انقلاب اما این تجاوزها جدی‌تر می‌شود. بعثی‌ها در اسفند ۱۳۵۷ که چند روز از پیروزی انقلاب می‌گذشت، حمله‌ای را توسط بالگردهایشان انجام می‌دهند که منجر به شهادت چند نفر از هموطنان کردستانی‌مان در منطقه سیرین می‌شود

نمی‌خواهم بحث را فلسفی کنم، اما غالباً در برابر رویدادهای بزرگی مثل جنگ یک عدم باور عمومی وجود دارد. مثلاً ایران و امریکا در وقایع مختلف بارها می‌توانستند تا جنگ پیش بروند، اما عموم مردم و شاید مسئولان به چنین باوری نرسیده بودند. در مورد ایران و عراق هم این موضوع صدق می‌کند؟

می‌تواند صدق کند. آن زمان هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که عراق بتواند به ایران حمله کند. این کشور در مقایسه با ایران ضعیف‌تر بود هم از نظر جمعیت هم از نظر وسعت. از طرفی ایران در زمان شاه می‌خواست ژاندارم منطقه باشد. تبلیغات زیادی هم روی قدرت ارتش می‌شد. بنابراین خیلی از نظامی‌ها هم فکرش را نمی‌کردند که صدام جرئت کند به کشوری مثل ایران حمله کند. من هم قبول دارم که در این زمینه یک جور خوشبینی وجود داشت اما باز می‌گویم که مثلاً اگر چهار سال از پیروزی انقلاب گذشته بود و عراق قصد جنگ با ما را می‌کرد، اوضاع داخل کشور به ثباتی می‌رسید و ما می‌توانستیم تجزیه و تحلیل بهتری از شرایط داشته باشیم و با دید بازتری به این مسئله نگاه کنیم.

در پایان اگر می‌شود مروری به تجاوزهای مرزی بعثی‌ها به کشورمان پیش از شروع حمله اصلی یا رسمی آنها در ۳۱ شهریور داشته باشیم.

آن‌طور که آمارها نشان می‌دهند عراق بعثی بیش از ۶۰۰ مورد تجاوز مرزی اعم از زمینی، هوایی و دریایی علیه کشورمان داشت. از این تعداد ایران حدود ۵۰۰ مورد را به سازمان ملل گزارش داده بود. از شروع انقلاب یعنی در همان سال ۵۷ عراق اولین تجاوزهای مرزی را انجام می‌دهد و در خلال سال ۵۸ توجه آنها معطوف به گرم کردن سر ایران در قضیه کردستان می‌شود. بعد از سال ۵۹ آنها تجاوزهای مرزی را گسترش می‌دهند تا به تابستان این سال می‌رسند و اوج این تجاوزها مربوط به این فصل است و نهایتاً هم که از اواسط شهریور ۵۹ علنی به داخل ایران لشکرکشی می‌کنند. مثلاً حمله آنها به منطقه خان لیلی، سومار و... بالاخره هم که ۳۱ شهریورماه جنگنده‌هایشان فرودگاه‌های ایران را بمباران می‌کنند و جنگ رسماً شروع می‌شود.

> آن‌طور که آمارها نشان می‌دهند عراق بعثی بیش از ۶۰۰ مورد تجاوز مرزی اعم از زمینی، هوایی و دریایی علیه کشورمان داشت. از این تعداد ایران حدود ۵۰۰ مورد را به سازمان ملل گزارش داده بود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۶۱

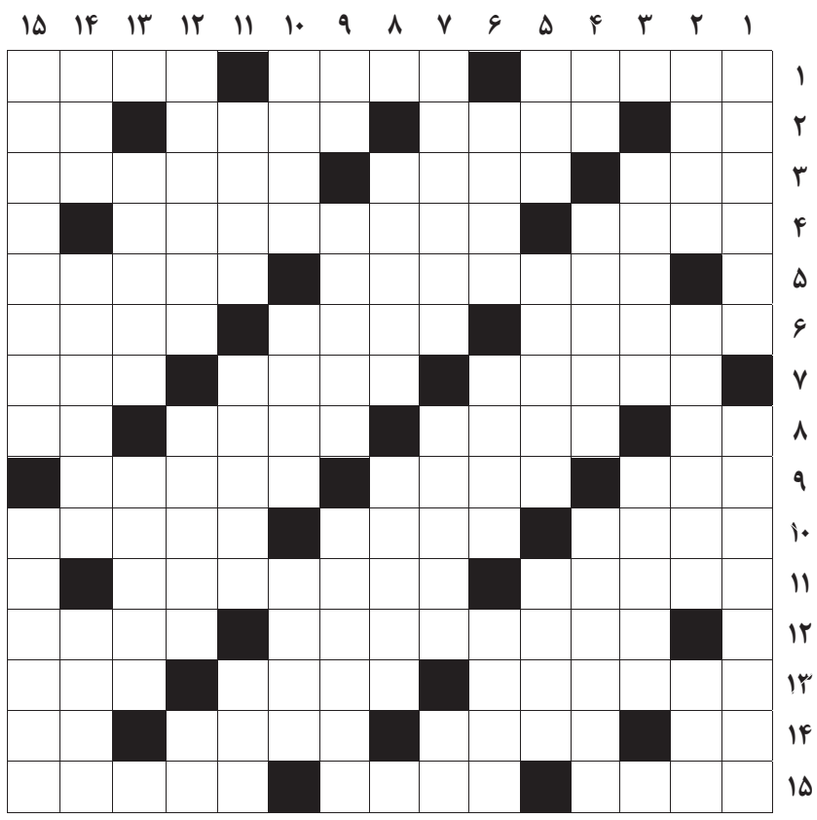

از راست به چپ

■ ۱- پیامبر خطاط- سامانه‌ای در جعبه دنده خودروها- سبزه‌زار ■ ۲- روشنایی اندک- کودک تازه به راه افتاده- با ادب- صدمتر مربع ■ ۳- از بخش‌های اوستا در ستایش خدا- بازی قهوه‌خانه‌های قدیم- نام ایران در متون یونانی ■ ۴- الگو- دانشمند مسلمان که وی را بنیانگذار علم جامعه‌شناسی می‌نامند ■ ۵- دستگاه ضبط انقباضات ماهیچه- رشوه‌خواری ■ ۶- خرس استرالیایی- نیروی نظامی هر کشور- همیشگی ■ ۷- شهر مقدس برهماییان- تفحص- از امراض جلدی ■ ۸- دیگ تو خالی- از جهت‌های اصلی- باد خنک- گرفتن از هوا ■ ۹- پری وارونه- سخندان- پایتخت زیمبابوه ■ ۱۰- دوستی- فرشته موکل بر دین- آوردن ■ ۱۱- عذر و بهانه- مسجدی دیدنی و قدیمی در کاشان ■ ۱۲- راهی که امام علی در زندگی به آن سفارش فرمودند- متاع ■ ۱۳- عدد معصومین- ترکیب ید با عنصری دیگر- کشتی جنگی ■ ۱۴- از اقمار مشتری- نوعی قایق مسابقه‌ای- خدای یهود- سه کیلو ■ ۱۵- شهری در فرانسه- قفسه- معلم دانشگاه

از بالا به پایین

■ ۱- حشره ای شبیه سنجاقک- دیدنی‌ترین بنای کشور اژدهای زرد ■ ۲- همسر دوک- وقت گذرانی در شبکه‌های اجتماعی- گاهی پس می‌شود ■ ۳- واحد غیررسمی پول ایران- تیمی در فوتبال ایتالیا ■ ۴- پول ژاپن- نشانه‌ای در نجوم که به‌وسیلهٔ آن طول عمر کسی را پیشگویی می‌کردند- اصطلاحی در اینستاگرام به معنای مستقیم و بی واسطه ■ ۵- وسیله دست داور- بندری در بلغارستان- خدمتکار پیر ■ ۶- پایتخت جمهوری چک- تجارت- وال ■ ۷- مرکز حکومت در سرزمین کانگوروها- گمراه و منحرف- درخت زبان گنجشک ■ ۸- از توابع نایین- از سرداران شهید دفاع مقدس ■ ۹- مادر تازی- لباس جنگی- از محله‌های قدیمی تهران ■ ۱۰- کیسه پشمی خشن- راه شن‌ریزی شده- وسنی ■ ۱۱- آه و دریغا- پایتخت زندیه- جایز و شایسته ■ ۱۲- از شهرهای کهن ایران در شمال خراسان و شهرستان درگز کنونی- ارث- معاون فراری هیتلر ■ ۱۳- نتیجه گرفتن از چیزی- چهلمین رئیس جمهور امریکا ■ ۱۴- برکت سفره- سرقفلی عروس خانم شتربی کوهان ■ ۱۵- مخترع ارتباطات سریع- از شهرهای کهن استان همدان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۴		۵	۹	
		۶		۲				
				۵		۸		
۱		۷				۹		
۹	۸						۷	
۵					۸		۱	
			۱	۷	۴			۹
	۷							
			۹				۸	

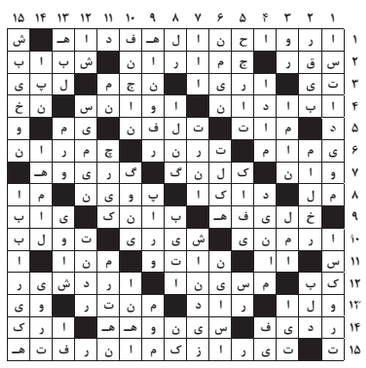

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۵۶۰